



داغ غم بر سینه زاگرس

ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه شباهنگام یکشنبه ۲۱ آبان بار دیگر نقطه‌ای از ایران لرزید. ریشم‌های به بزرگای ۷/۳ دهم در مقیاس امواج درونی زمین یا همان «ریشتر» معروف خودمان که آنقدر طی این سال‌ها با واژه‌های مائوس بوده و زندگی کردیم که گویی با خالقش یعنی چارلز ریشتر آمریکایی، هم اویی که خشم زمین را برای نخستین بار اندازه گرفت و مقیاسی برای سنجشش ساخت، سال هاست همسایه و همسفر مایم. بوئین زهره اردوباد و منجیل، طیس، هم، امروز رقان و... ابتدای این فهرست کجاست؟ گزارش چه اهمیتی دارد وقتی که می‌دانی شوربختانه انتهای نمی‌توان برایش متصور بود. گویی تقدیر این است که ایرانی با ترس از زلزله به دنیا آمده، با ترس از زلزله زندگی کرده و با ترس از زلزله نیز از جهان فانی رحلت کند، هر چند که بسیاری نیز سواي هراسی چنین کشنده، این شانس (شانس؟ چه‌اژه نام‌آنوسی!) را دارند که فاجعه را با گوشت و پوست و خون خود نیز تجربه کنند. اما امروز در دومین صبحگاه مصیبت، قلب داغ‌دیده ایران برای کرمانشاه، سرپل ذهاب، قصر شیرین، دالاهو، چشمه سفید، کردکوی، جوانرود، اسلام‌آباد غرب، رونسر، ازگله، گیلانغرب، ثلاث باباجانی، کامیاران و... می‌تبد. صف‌هایی که مقابل پایگاه‌های انتقال خون حتی پیش از آنکه فراخوانی صادر شود بسته شد خود گواه حال و هوای این روزهای ایران است. امروز ایران، داغدار فرزندان زاگرس است. امروز یک جهان غم بر سینه داریم.



عکس: ماهی مهدی حسینی - شبکه اطلاع‌رسانی / شهروند

عکس: بلوک جوانرود / شهروند